

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۹۶

جمعه ۱ اسفند ۱۳۹۳، ۲۰ فوریه ۲۰۱۵

خامنه ای: مذاکرات بجایی نمیرسد

کاظم نیکخواه

صفحه ۲

هشت مارس متفاوت از هر سال

شهلا دانشفر

صفحه ۳

معنای جدید آنتی سمیتیزم از جانب دولت کانادا!

ناصر اصغری

صفحه ۴

اتحادیه اروپا با ارسال یک فاکس فوری خواهان متوقف شدن حکم اعدام سامان نسیم و ۵ فعال سیاسی در زندان ارومیه شد.

کمیته بین المللی علیه اعدام

صفحه ۵

برنده این جنگ ما خواهیم بود نه تروریستهای اسلامی!

مینا احدی

صفحه ۵



این موفقیت را باید دید و به همه تلاشگران درود فرستاد!

کمیته بین المللی علیه اعدام

صفحه ۷

اعتراض عضو پارلمان هلند به حکم اعدام سامان نسیم

صفحه ۵

اطلاعیه شماره ۱۸: "کمپین بهنام را آزاد کنید"

بهنام ابراهیم زاده به قرنطینه زندان گوهردشت منتقل شد

صفحه ۸



خامنه ای: مذاکرات بجایی نمیرسد

کاظم نیکخواه

است و اگر جمهوری اسلامی جام زهر را در مورد مساله اتمی بنوشد تا ته جهنم باید عقب بنشیند. به این دلیل است که تلاش میکند به قیمت نابود کردن شیرازه زندگی مردم حکومتش را سرپا نگه دارد.

آنچه او آنرا بعنوان "اقتصاد مقاومتی" فرموله کرده است و این روزها همه امام جمعه ها و آخوندهای جمهوری اسلامی در مورد آن نعره سر میدهند، تنها تشدید ریاضت اقتصادی علیه مردمی است که فی الحال در زیر خط فقر دارند مجاله میشوند. جمهوری اسلامی حتی در حرف هیچ طرح مشخصی برای ادامه این وضعیت جز زدن از یارانه ها، افزایش مالیاتها، فریز کردن دستمزدها و امثال اینها ندارد. اما مساله اصلی اینست که کارگران و مردم نیز جایی برای تحمل ریاضت بیش از این ندارند.

فشار گرانی و بن بست اقتصادی بردوش مردمی است که هم اکنون هرروز با قیمتهای بالاتر و فقر و محرومیت بیشتر روبرو میشوند. ادامه تحریمها و کشاکش اتمی به هر شکلی که پیش برود به زیان اکثریت عظیم مردم است. مردمی که نه فقط انرژی هسته ای نمیخواهند بلکه از کل حکومت اسلامی متجزر و متفرد اما ناچارند ترکشهای بحران و بن بست این حکومت را تحمل کنند. و در واقع این مردمند که میتوانند و ناچارند به این بحران و بن بست با به زیر کشیدن کل جمهوری اسلامی پایان دهند.*

بردارد و بازار اقتصاد و سیاست ایران را مثل قبل به چین و روسیه و برخی کشورهای اروپایی بسپارد و کاری به بازبهای سیاسی و نظامی این حکومت در حمایت از نیروهای ضد آمریکائی در عراق و افغانستان و لبنان و غیره نداشته باشد. بلکه میخواهد جا پای خود را در اقتصاد و سیاست ایران تحکیم کند، جمهوری اسلامی را از حمایت گروههای اسلامی ضد آمریکائی منصرف کند و جناحهای ضد آمریکائی در ایران را سر جای خود بنشاند. لازم است اشاره کنیم که وقتی میگویم "دولت آمریکا" در واقع منظور کل هیئت حاکمه آمریکاست و نه دولت اوپاما. چون اوپاما ترجیحش اینست که با هوا کردن فیل توافق اتمی دوره ریاست جمهوری را تمام کند و برایش چندان بقیه ماجرا مهم نیست. اما سرمایه داران بزرگ آمریکائی که در دولت و در مجالس و در نهادهای نظامی و اطلاعاتی مثل سیا نقش تعیین کننده دارند نمیخواهند به این حد رضایت دهند. این خلاصه ای از داستان بن بست مذاکرات است که در نوشته های دیگری مفصل تر جوانب دیگر آن توضیح داده شده است.

با توجه به این موانع جدی است که خامنه ای میگوید حتی اگر همه آنچه غربی ها دیکته میکنند را ما قبول کنیم بازهم تحریمها برداشته نخواهد شد. خامنه ای میداند که بحران اتمی جزئی از يك بحران همه جانبه تر

کنیم و بطور مشخص از اتکا به کشاورزی در اقتصاد سخن گفت. محمد رضا با هنر نایب رئیس مجلس اسلامی نیز در بحث اقتصاد مقاومتی پنجشنبه پیش گفت در خوش بینانه ترین حالت در آمدهای ارزی دولت در سال آینده ۶۰ درصد در آمدهای امسال خواهد بود. و گفت قیمت نفت در سال آینده نیز بشکله ای ۵۰ دلار بیشتر نخواهد بود. و او نیز راه حلش این بود که باید از اتکا به نفت کم کنیم و راه های دیگری جستجو کنیم.

جمهوری اسلامی در واقع دارد در بن بست کامل به آخرین تقللهایش دست میزند تا از سیاست ضد آمریکائی گری که مساله اصلی طرفهای غربی و مشخصا آمریکاست عقب ننشیند. باید توجه داشت که مشکل اساسی حکومت اسلامی در این رابطه نه تعصب بر ضد آمریکائی گری، بلکه ترس از خطر در هم ریختن صفوفش و بالاگرفتن نزاعهای درونی، و تضعیف حکومت در برابر مردم سرنگونی طلب است. مشکل اصلی و اساسی خامنه ای و کل حکومت دقیقا اینجاست. تا همینجا نیز شکافهای جدی و عمیقی در صفوف حکومتی ها ایجاد شده است و هر روز اینجا و آنجا دارد بیرون میزند.

از سوی دیگر همانگونه که ما بارها تاکید کرده ایم مساله اصلی دولت آمریکا که مبتکر اصلی تحریمهاست، نه مساله اتمی بلکه عقب راندن جمهوری اسلامی از ضد آمریکائی گری است. دولت آمریکا نمیخواهد بعد از يك سال که حکومت اسلامی را به زانو در آورده است با يك توافق اتمی دست از انزوای جمهوری اسلامی و تحریمها

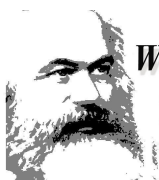
رسیدن به توافق از پنجاه درصد کمتر است. در ایران نزدیکان خامنه ای این روزها فعالانه نتیجه مذاکرات را زیر سوال میبرند و عملا شکست آنرا اعلام کرده اند. در جلسه ای که روز ۲۷ بهمن یعنی سه روز پیش در دانشکده فنی در تهران توسط بسیج دانشجویی برگزار شده بود سعید زیبا کلام یکی از چهره های "اصولگرا" با تندى به دولت روحانی و تیم مذاکره کننده حمله کرد و از جمله گفت "اینکه اعلام شده است همه تحریمها قدم به قدم با ادامه مذاکرات برداشته می شود" این حرف در کجای توافقنامه ژنو نوشته شده است؟ این حرف را رئیس جمهور گفته است اما ۱۵ ماه است که توافق ژنو صورت گرفته و طبق گفته رئیس جمهور باید تحریمها قدم به قدم برداشته می شد ولی خبری نشده است حتی تحریم ها افزایش هم پیدا کرده است. او گفت ما تمام خوستهای دولتهای غربی در مورد غنی سازی را عملی کرده ایم اما در قبال آن هیچ چیز بدست نیاورده ایم. کیهان شریعتمداری نیز هفته قبل به تندى به روحانی و موضع او در قبال مذاکرات حمله کرد.

بن بست جمهوری اسلامی

از این نمونه ها در جمهوری اسلامی بسیار زیاد است. حقیقت اینست که جمهوری اسلامی با تحریمها به سه کنج رانده شده است. یکی دیگر از اعترافات حکومتی ها در این روزها اینست اقتصاد ایران در حال فروپاشی کامل است. خامنه ای در همین سخنرانی خود در آذربایجان شرقی رجزخوانی زیاد کرد اما وقتی به اقتصاد رسید تمام حرفش این بود که ما باید مردم را برای مقاومت در برابر تحریمها بسیج

آیا مذاکرات اتمی شکست خورده است؟ آیا اگر مذاکرات به نتیجه برسد تحریمها برداشته نخواهد شد؟ آیا ادامه مذاکرات در هفته آینده نمیتواند موانع و بن بستها را کنار بزند؟ تمام گفته ها و اظهار نظرهای سران و سخنگویان جمهوری اسلامی از شکست و بن بست مذاکرات حکایت دارد. آخرینش گفته خامنه ای است که روز چهارشنبه ۲۹ بهمن در آذربایجان شرقی ایراد کرد و گفت "من معتقدم حتی اگر در مسئله هسته ای نیز همان خواستههایی را که آنها دیکته می کنند، قبول کنیم، باز هم تحریمها برداشته نخواهد شد". خامنه ای قبلا هم همین نکته را مورد تاکید قرار داده بود که "حتی اگر مذاکرات به نتیجه برسد تحریمها ادامه خواهد یافت".

یکی دو هفته پیش رویترز گزارش داد که محمد جواد ظریف به سران دولتهای غربی هشدار داده است که شکست مذاکرات به معنای پایان روحانی است. ظریف به نحو دیپلماتیکی این گفته را رد کرد و گفت "در حین مذاکرات چیزی جز مساله اتمی مطرح نشده است! و روشن است که چنین هشدارى نه در حین مذاکرات بلکه معمولا در حین "مغازلات" مطرح میشود. عباس عراقچی معاون وزیر امور خارجه و عضو تیم مذاکره کننده جمهوری اسلامی نیز چندی پیشتر گفت که شکافها همچنان بر جای خود باقی است. از آن طرف دولت اوپاما علیرغم تلاشهای زیادی که برای موفقیت مذاکرات انجام میدهد اما به نتیجه آن ابراز تردید مینماید. جوبایدن معاون اوپاما ماه پیش گفت که شانس

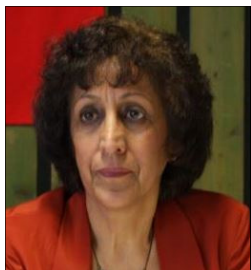


**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wcpiran.org

هشت مارس متفاوت از هر سال

شهلا دانشفر



هشت مارس روز جهانی زن و روز آزادیخواهی و برابری طلبی است. ما این روز را امسال در جهانی متفاوت از هر سال گرامی می‌داریم. از یکسو تحركات جریان‌های اسلام‌ست در خاورمیانه و در گوشه گوشه جهان را می‌بینیم و از سوی دیگر جنبشی انسانی علیه توحش و جنایات آن را شاهدیم در این راستا اتفاقاتی تاریخی چون به خیابان آمدن سه میلیون انسان در اعتراض به حمله جنایتکارانه تروریست‌های اسلامی و در دفاع از آزادیخواهی در فرانسه با شعار من شارلی ابدو هستم و یا جنبش چپی که در جایی چون یونان خیابانها را از آن خود کرد و با دست بردن به قدرت سیاسی راه را برای گفتمان چپ و آزادیخواهی باز کرده است، نشانگر تحولات سیاسی جهان امروز است. به عبارت روشن‌تر صحنه سیاسی امروز جهان از دو تقابل آشکار جنبش ارتجاع اسلامی و جنبش چپ، و از رو در رویی دو طبقه حکایت دارد. به این معنی که اگر جنبش ارتجاع اسلامی و پدیده‌های جنایتکار و آدم‌خواری چون داعش، جمهوری اسلامی و بوکوحرام و غیره اوج انحطاط سرمایه‌داری به بن بست رسیده جهانی را نمایندگی نمی‌کنند، جریان‌های چپ و آزادیخواه متعین‌تر و سازمان‌یافته‌تر دارند به جلو می‌آید و پاسخ واقعی به توحش سرمایه‌داری و انحطاطش هستند. در این شرایط است که به استقبال هشت مارس می‌رویم. و در چنین شرایطی این روز بیش از هر وقت جایگاه طبقاتی خود را باز می‌یابد. خصوصاً اینکه يك نیروی

مهم این جدالها امروز جنبش رهایی زن است. واقعیت اینست که تحركات جریان‌های ارتجاعی اسلامی بیش از هر چیز خود را در تعرض به زنان نشان می‌دهد. چرا که يك رکن پایه‌ای مذهب ضدیت با زن است. از جمله در ایران آپارتاید جنسی هویت حکومت است و حجاب پرچم آنست و قوانین ارتجاعی اسلامی علیه زنان عمل می‌کنند و دستگاههای سرکوب حکومت در خدمت اجرای آن قرار دارند. در عراق و سوریه و غیره داعش با به اسارت کشیدن زنان و تجاوز و سربریدن و غیره قلدری می‌کند و در گوشه‌ای هم خلافت اسلامی اش را بنا کرده است. در نیجریه بوکوحرام در جنگ بر سر قدرت زنان و دختران دانش آموز در مدارس را دسته دسته از خانواده هایشان ربوده و آنها را برده جنسی می‌خواند و بفروش می‌رساند. در برابر این اوضاع چپ و جنبش نوین آزادی زن را می‌بینیم که هر روز قوی‌تر جلو می‌آید. جنبشی که رنگ جهان امروز را بخود دارد و مشخصه هایش را میتوان در فعالیت‌های اعتراضی هر روزه آن در سطح جهانی دید. این جنبشی است که در جریان انقلابات مردم مصر و تونس و تداوم اعتراضات مردم برای حق و حقوقشان توانست جریان‌های اسلامی را از قدرت به کنار زند و مقابل قوانین ارتجاعی اسلامی ضد زن بایستد. این جنبشی است که در ایران در جنگی هر روزه با حکومت آپارتاید جنسی است. این جنبشی است که در ترکیه مقابل تلاش‌های دولت اسلام‌گرای اردوغان و با فتوهایش ایستاده و با

کارزارهایی چون خنده آنلاین تویتری و غیره پاسخ مزخرفاتشان را می‌دهد. این جنبشی است که با اعتراض عریانش علیه تابوهای اسلامی ایستاده و با گفتن اینکه زن ناموس مردم نیست، در برابر بردگی جنسی قدم علم کرده است. این جنبش صدای اعتراضی جهانی علیه بردگی جنسی زن و برای يك زندگی آزاد، برابر و انسانی است. این جنبش را در قامت جهانی اش ببینیم و با اتکا به قدرت آن به استقبال هشت مارس روز جهانی زن برویم. در ایران این جنبش را همانطور که اشاره کردم در جنگ هر روزه با آپارتاید جنسی حاکم و قوانین ارتجاعی اسلامی می‌بینیم. این جنبشی است که با حجاب برگیرانش ضربه‌ای جدی بر ارکان پایه‌ای حکومت زده است. مقابل گشت ارشاد ایستاده است و خواستار جمع شدن بساط آنها از خیابانها و گذر مردم است. و در این جنگ رژیم اسلامی با وجود بسیج تمام نیروهای سرکوبش و قوانین ارتجاعی اسلامی اش بازنده است. این جنبشی است که برای حق ورود زنان به استادیوم ورزشی کارزاری به راه انداخته و در مقابل قوانین تفکیک جنسیتی ایستاده است و توانسته است صدای اعتراض را جهانی کند. این جنبشی است که طومارهای اعتراضی برای حق طلاق برای زن به راه انداخته است و هر روز برای آن می‌جنگد. از حق بیمه بیکاری برای همه افراد آماده بکار زن و مرد سخن می‌گوید. و اینها همه رهسوار خواستهای فوری آنست و با خواست برابری کامل زن و

مرد در تمام عرصه‌های زندگی کل حکومت و قوانین ارتجاعی اسلامی اش را به چالش کشیده است. همچنین این جنبشی است که در برابر اسیدپاشان حکومتی ایستاد و جمهوری اسلامی را به غلط کردن انداخت و اولین خواست آن کوتاه شدن دست مذهب از زندگی اجتماعی مردم و دولت بعنوان يك شرط مهم رهایی زن است. این جنبش میلیون‌ها مردم به جان آمده از تبعیض علیه زن و قوانین ضد انسانی است که کل حاکمیت را به چالش کشیده است. و این جنبش است که امروز با خواست‌های رادیکال و انسانی خود دارد به استقبال هشت مارس میرود. تاکید اینجاست که برای برگزاری هشت مارس، روز جهانی زن در ایران نیز باید با چنین تصویری از اوضاع به استقبال این روز برویم. این‌ها همه گفتمان ما در شبکه‌های اجتماعی وایبر و فیس‌بوک و غیره و در قطعنامه‌ها و بیانیه‌هایمان به مناسبت این روز باشد. باید با تمام قوا بکوشیم تا هشت مارس، روز جهانی زن را وسیعاً به میان مردم و توده‌های معترض جامعه ببریم. در این راستا کارهای بسیاری میتوان انجام داد. از جمله می‌توانیم سمینارها و کنفرانس‌ها سازمان دهیم و در آن بربریت و توحش اسلامی را به چالش بکشیم. به تدارک آکسیونهای اعتراضی برویم. کلیپ‌های زیبا تهیه کنیم و با تصاویری گویا پیام آزادیخواهی خود را به گوش جهان برسانیم. با شعارهایمان و با اعلام خواسته‌هایمان کل جامعه را حول جنبش نوین رهایی زن متحد کنیم. اعلام

کنیم که دیگر این بردگی جنسی و تحقیر و ستم سیستماتیک هر روزه علیه زن را نمی‌پذیریم. اعلام کنیم که زن و مرد برابرند و ما خواهان جامعه‌ای برابر و انسانی هستیم. و تلاش کنیم که در روز هشت مارس حضور خود را به هر شکلی که میتوانیم به نمایش بگذاریم و این روز مهم اعتراضی را گرامی داریم. میتوانیم در محلات هشت مارس را جشن بگیریم و با پر کردن همه جا از شعارهای فضای همه شهرها را به رنگ این روز درآوریم. در کلوپهای ورزشی و گلگشت‌هایمان این روز را جشن بگیریم. در میان اقوام و دوستان و همکارانمان این روز را جشن بگیریم. به خیابان بیاییم و بصورت آکسیونهای کوتاه مدت فریاد اعتراضمان را علیه بردگی جنسی و تبعیض علیه زن بلند کنیم. در مترو بصورت گروهی و سازمان‌یافته حجاب برگیران کنیم و با شعار نه به حجاب نه به آپارتاید جنسی، اعتراض خود را علیه قوانین ضد زن اسلامی بلند کنیم. همچنین فراموش نکنیم که هشت مارس روزیست که حمایت خود را از قربانیان اسیدپاشی رژیم اسلامی اعلام کنیم و نشان دهیم که آنها را هرگز فراموش نمی‌کنیم. خلاصه کلام اینکه هشت مارس روز کیفرخواست جنبش رهایی زن علیه اسلام‌یسم و تحركات آن در اوج انحطاط و توحش سرمایه‌داریست. هشت مارس میتواند یکی دیگر از روزهای تاریخی در برابر داعش و جریان‌های ارتجاعی اسلامی و روز قدرتمندی آزادیخواهی و انسانیت باشد. به استقبال چنین روزی برویم. *



معنای جدید آنتی سمیتیزم از جانب دولت کانادا!

ناصر اصغری



سیاستهای هیتلر را تأیید می کرد، دولت امروز کانادا بطور بسیار صریح در سیاستهای جورج دبلیو بوش و نتانیاهو سهیم است.

تفاهمنامه اخیر صرفاً سلاح دیگری است در خدمت کمپین کشت و کشتار مردم بی دفاع فلسطین بدون هیچگونه اعتراض و انتقاد. اما با تمام توانی که از حقوق برابر همه انسانها، و رای انتساب به مذهب و نژاد خاصی، دفاع خواهیم کرد، نه دولت کانادا و نه دولت نژادپرست اسرائیل از اعتراض ما به اتخاذ سیاستهای ضدانسانی و موشک باران مردمان بی دفاع فلسطین در امان نخواهند ماند.*

و کشورهایی که یهودیان حق ورود به آنها را ندارند. کانادا از بدترین نوع این دومی است." واضح است که آن تصمیمات توسط این دولت کانادا و حزب محافظه کار کنونی تصویب نشدند، اما سنت دنباله روی از کلیسا، نژادپرستی، ضدیت با زن، خارجی ستیزی، وضع بدترین قوانین پناهندگی بر علیه کسانی که از دست جنایتکارترین حکومتها در جستجوی امنیت هستند و همدستی با گانگسترهای کارگرسیتیز، سنت همان نمایندگانی است که آن قوانین را برای بستن مرزها بروی فراریان از دست گشتاپو تصویب می کردند. اگر دولت دهه ۱۹۳۰ و ۴۰ کانادا بطور ضمنی

بی حقوقی دست به اعتراضات توده ای وسیع در میادین شهرهای اسرائیل زدند. مهاجرت دسته جمعی جوانان اسرائیل به کشورهای اروپایی به دنبال کار، امنیت و زندگی بهتر دیگر از چشم کسی مخفی نمانده است! اعمال نژادپرستانه و ضدانسانی دولت نژادپرست اسرائیل در خود اسرائیل و فلسطین از مهمترین خوراک گسترش آنتی سمیتیزم شده است.

از طرف دیگر، رهبران دولت کانادا که هیچ یکشنبه ای را بدون "اقرار" با کشیش کلیسای محله دوشنبه نمی کنند، از وارثان همان حزبی هستند که در دوره جنگ جهانی دوم سخت ترین قوانین پناهندگی را بر علیه یهودیانی که می خواستند از دست گشتاپو فرار کنند وضع کردند که نتوانند جان سالم بدر ببرند. از وارثین همان حزبی هستند که در پارلمان مرکزی یکی از نمایندگان به دفاع از آن قوانین "ضد پناهندگی" گفته بود: "آمدن يك يهودی هم به کانادا زیاد است". درست در بحبوحه قتل عام یهودیان در دست هیتلر، یکی از یهودیان گفته بود: "برای یهودیان غرب، دنیا به دو دسته از کشورها تقسیم شده است: کشورهایی که یهودیان حق زندگی در آن ندارند

جمهوریخواهان در آمریکا و همسویی با نتانیاهو و شریک جرم آن دولت جنایتکار شدن، نه جای تعجب دارد و نه هم انتظار بیشتری از آن می رود. اما وقتی مقوله "آنتی سمیتیزم" به انتقاد به کشت و کشتار دولت اسرائیل، به آدمکشانی چون بنیامین نتانیاهو و آریل شارون تقلیل پیدا می کند، این دیگر زنگ خطری است به همه انسانهایی که نگران بازگشت نژادپرستی و یهودی ستیزی هستند. تفاهمنامه جدید دولت کانادا اعتراض و انتقاد به موشک باران دولت نتانیاهو به مدارس و بیمارستانها و مهد کودکیها در نوار غزه و کرانه غربی را هم معنا و همطراز با قتل عام یهودیان در دست هیتلر کرده است.

واقعیت اما این است که دو طرف این تفاهمنامه نه دلشان بخاطر کشت و کشتار یهودیان به دست هیتلر و حماس و حزب الله به درد می آید و نه نگران گسترش یهودی ستیزی هستند. "آنتی سمیتیزم" برایشان صرفاً ابزاری است که با آن زبان منتقدین را ببندند و مصالح خودشان را دنبال می کنند. همین یکی دو سال پیش بود که در اسرائیل دهها هزار نفر در اعتراض به وضعیت معیشتی و

وزیر امور خارجه دولت دست راستی کانادا، دولت استیون هارپر، روزهای اول فوریه ۲۰۱۵ از سمت خود استعفا داد و به گفته خودش به زندگی خصوصی برمی گردد. وی اما چند روز قبل از این استعفا، تفاهم نامه ای با وزیر امور خارجه اسرائیل، در روز ۱۸ ژانویه ۲۰۱۵ امضا کرد که در آن نه تنها رابطه دولت هارپر را با دولت اسرائیل از نو تعریف و تنظیم می کند، بلکه معنای تازه ای هم به مقوله آنتی سمیتیزم (یهودی ستیزی) داده است. در بخشی از این تفاهم نامه آمده است: "اذعان به اینکه انتخاب دولت اسرائیل برای حمله، انعکاس جدیدی است از آنتی سمیتیزم."

دولت استیون هارپر که در تاریخ معاصر کانادا نماینده راست ترین و عقب مانده ترین اقشار مذهبی در کلیسا، ضد زن، نژاد پرست، خارجی ستیز و ضد همجنسگرا بوده، در انتخاب جنایتکارانی چون بنیامین نتانیاهو و جورج بوش بعنوان دوستان درجه اولش کسی را متعجب نکرده است. بخصوص برای کسانی که در کانادا زندگی می کنند و شاهد حمله لگام گسیخته این دولت در چند سال گذشته بوده اند، زانوی غم بغل کردن بخاطر شکست

گرامی باد روز جهانی زن

**علیه جنبش اسلامی و اسلام سیاسی
در دفاع از حقوق زنان و آزادی بیان**

سخنرانی و گفتگو با :

مینا احدی- قتیجه نقیب زاده -

نازنین برومند

نمایش فیلم ، موزیک و پذیرایی

زمان: شنبه ۷ مارس ساعت ۱۸

مکان: کلن

Köln, Rosenzweigweg 3

Bürgerhaus Zollstock

نهاد اکس مسلم از همه شما

علاقتمندان دعوت میکند در این

برنامه حضور بهم رسانید.

تلفن تماس: ۰۱۷۷۸۲۹۷۸۴۱



برنده این جنگ ما خواهیم بود نه تروریستهای اسلامی!

کپنهاک و دسلدرف، علیه تروریسم اسلامی و در دفاع از آزادی بیان

مینا احدی



یک واگن چارلی ابدو را به نمایش گذاشت و در مصاحبه های متعددی که از دیروز در مهمترین رسانه های آلمانی داشت گفت از اینها نمیترسم و ما نمیگذاریم مشتی تروریست اسلامی آزادی بیان را در دنیا مورد حمله قرار دهند.

دوشنبه باز هم هزاران نفر به خیابان رفته و خطاب به داعش در ایران و عراق و سوریه و از همه جا گفتند، ما بسیاریم و از آزادی بیان دفاع میکنیم. جامعه متمدن و مدرن از آزادی بیان دفاع میکند و در این مسیر ما کسانی که سالها است علیه داعش در ایران و جنبش اسلامی در دنیا مبارزه میکنیم باید در صف اول این اعتراضات باشیم.

کلن- مینا احدی ۱۷ فوریه ۲۰۱۵



و بویژه در استان نوردراین وستفالن، جشن های خیابانی کارناوال است. در راهپیمایی های این مراسم همواره موضوعات سیاسی این کشور و یا دنیا بصورت ساختن ماکت ها و نمایش هایی، در معرض دید عموم قرار داده میشود و امسال طبعاً بحث چارلی ابدو یک موضوع مهم این کارناوال ها بود. در شهر کلن برگزار کنندگان با توجه اینکه باید با حمله به این جشن و ترور مقابله کرد از حضور واگن های حاوی عکس چارلی ابدو جلوگیری کردند. تصمیمی که با موج وسیع اعتراض روبرو شد و در روز دوشنبه مجبور شدند چند واگن انتقادی را وارد این مراسم کنند. در دسلدرف یکی از آتئیست های معروف آلمان جاک وییس تیلی، از دوستان ما و عضو مرکزیت سازمان جردانو پرونو

مردم دانمارک روز دوشنبه از همه جا آمده بودند و در یک راهپیمایی و تجمع ۴۰ هزار نفره در کپنهاک یک علامت به دنیا و تروریستهای اسلامی دادند، با ترور نمیتوان جلوی دهانها را بست.

حاضرین در این تجمع به خبرنگاران میگفتند که آمده ایم از آزادی خودمان دفاع کنیم. یک نفر به خبرنگار اسپیکل گفت: ما بسیاریم و آینده از آن ماست، تروریستها در این نبرد شکست خواهند خود شک نکنید! همزمان در آلمان این روزها

گلرله به داخل سالن و بسوی شرکت کنندگان شلیک کرد، یکی از سخنرانان این برنامه لارش ویلکس کاریکاتوریست سوئدی بود.

در این حمله یک سینماگر و کارگردان که داخل سالن بود کشته شد و چند نفر زخمی شدند، سپس همین فرد به محل دیگری رفت و در مقابل کنیسه یهودیان یک نگهبان این مرکز را با شلیک گلرله کشت و ساعتی بعد او در نزدیک ایستگاه مرکزی قطار او به دست پلیس کشته شد.

۴۰ هزار نفر در کپنهاک دور هم جمع شدند و یاد قربانیان حمله تروریستی در دانمارک را گرامی داشتند.

در راهپیمایی بزرگ کارناوال در دوسلدرف واگن دفاع از آزادی بیان بیشترین توجه ها را بخود جلب کرد. پیام این واگن این بود با ترور نمیتوانید کاریکاتور و آزادی بیان را بکشید.

روزشنبه ۱۴ فوریه در جریان برگزاری یک کنفرانس در شهر کپنهاک با عنوان "هنر، کفر در اسلام و آزادی بیان" یک تروریست اسلامی بیش از ۵۰

اتحادیه اروپا با ارسال یک فاکس فوری خواهان متوقف شدن حکم اعدام سامان نسیم و ۵ فعال سیاسی در زندان ارومیه شد.

باید در این چند ساعت باقی مانده تلاش کنیم جان این فعالین سیاسی را که در سلول انفرادی هستند و ممکنست فردا صبح اعدام شوند، نجات دهیم.

دبیرخانه کمیته بین المللی علیه اعدام ۱۸ فوریه ۲۰۱۵

فورا لغو کنند. کمیته بین المللی علیه اعدام به همراه سازمانهای مختلف علیه اعدام که برای نجات جان سامان نسیم و پنج فعال سیاسی دیگر محکوم به اعدام تلاش میکنند، اقدامات خود را ادامه داده و منتظر رسیدن اخبار از ایران است.

اضطراری به حکومت اسلامی ایران همین امشب از آنها خواسته که اجرای حکم اعدام شش فعال سیاسی در زندان ارومیه را فورا متوقف کند در این نامه به ویژه از حکومت اسلامی خواسته شده حکم اعدام سامان نسیم را که هنگام دستگیر شدن ۱۷ سال داشت

ساختمان وزارت امور خارجه برگزار شد، مامورین کشیک در این وزارت خانه نامه اعتراضی مسئول کمیته علیه اعدام هرمز رها را به مقامات مسئول اتحادیه اروپا فاکس کرده و بعد از حدود یک ساعت به تظاهرات کنندگان گفتند که اتحادیه اروپا در یک فاکس

بدنبال تظاهرات نزدیک به صد نفر از ایرانیان ساکن استکهلم که در یک حرکت اعتراضی فوری برای جلوگیری از اجرای حکم اعدام سامان نسیم و پنج فعال سیاسی دیگر یونس آقاییات، حبیب الله افشاری، علی افشاری، سیروان نژادی و ابراهیم شاپوری، در مقابل

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

ریزگردهای سیاسی!

زندگی مردم خوزستان زیر خاک مدفون شده است و دار و دسته های حکومتی مشغول دعوای جناحی بر سر مساله ریزگردها هستند.

شفا آنالین از سایتهای مدافع دولت روحانی مینویسد "اگر در نیمه دوم سال های دهه ۸۰ و زمانی که پدیده ریزگردها چند استان کشور را در بر گرفت، مسئولان وقت فرصت را هدر نمی دادند و این موضوع را نادیده نمی گرفتند، اکنون خوزستانی ها هوای پاک را تنفس می کردند" و نمایندگان اصولگرا در اعتراض به عملکرد نامناسب و "بی توجهی" دولت روحانی به مساله آلودگی هوا در خوزستان با ماسک ضد آلودگی در جلسه علنی مجلس شرکت میکنند. سایتهای رسانه های حکومتی از هر دو جناح از مساله خشکاندن تالابها، تخریب جنگلها، استخراج بی رویه نفت، قطع منابع آبی، نابودی بیشه زارها و دریاچه ها و غیره بعنوان سیاستهایی که موجب فاجعه محیط

زیستی در خوزستان و بیست استان دیگر شده است یاد میکنند. منتهی یکی از بی مبالاتی مقامات در دولت احمدی نژاد شکایت میکنند و دیگری از بی توجهی دولت یازدهم!

هر دو درست میگویند. نماینده اهواز منتقدان دولت روحانی در مورد آلودگی هوا را "ریزگردهای سیاسی" مینامد اما کل مساله ریزگردها در جمهوری اسلامی مساله ای سیاسی است. نه به این علت که به موضوع کشمکش جناحها تبدیل شده بلکه به این خاطر که سیاستهای جمهوری اسلامی در گذشته و امروز نقش تعیین کننده ای در شکل گیری و تشدید این فاجعه در ایران داشته است. حل مساله آلودگی محیط زیست در ایران، همچون سایر آلودگیها و فجایع سیاسی و اقتصادی مبتلابه جامعه، نهایتا در گرو بزرگ کشیدن نظام جمهوری است. *

از صدور فتوای قتل تا تبری جستن از سابقه جنائی!

"در جمهوری اسلامی تعرض به غیرمسلمان هیچ سابقهای ندارد." خامنه ای

آنچه در جمهوری اسلامی هیچ سابقه ای ندارد احترام به غیرمسلمانان و برسمیت شناسی حق زندگی اجتماعی و حتی حق نفس کشیدن برای شهروندان غیرمسلمان است. در این نظام بهائی ها و فرقه های دراویش و پیروان ادیانی که اهل کتاب نیستند هیچ حق و حقوقی ندارند و اصلا شهروند و داخل آدم حساب نمیشوند. بی خدایان و ترک کنندگان اسلام هم که بنا به قوانین اسلامی قتلشان واجب است. پیگیر و قتل و سرکوب این "کفار و مرتدین" که تعدادشان هر روز رو به افزایش است، سیاست همیشگی جمهوری اسلامی بوده است.

جمهوری اسلامی بنا به تعریف و ماهیتا حکومت اسلام و قوانین اسلامی است و از همین رو تعرض به غیرمسلمانان يك امر ذاتی و هویتی این حکومت است. البته جنایات این رژیم تنها به سرکوب غیر

مسلمانان محدود نیست، کاربرد و علت وجودی ماشین سرکوب و آدمکشی اسلامی تعرض به کل جامعه ای است که مدتهاست با اعتراضات و مبارزات مداوم خود اعلام کرده است این حکومت را نمیخواهد. اینکه امروز خامنه ای تعرض به غیر مسلمانان را انکار میکند خود نشانه ای از درماندگی حکومت در مقابل جامعه متعرض به اسلام و حکومت اسلامی است. دورانی که برای "کفار و مرتدین" علنا خط و نشان میکشیدند و علیه سلمان رشدی ها فتوای قتل صادر میکردند برای همیشه گذشته است. امروز ناگزیرند در قبال حمله اسلاميون به نشریه ضد مذهبی چارلی ابدو موضع دیپلماتیک بگیرند و حساب خودشان را از آدمکشان داعشی، که مانند خمینی در دهه قبل فتوای قتل توهین کنندگان به اسلام و محمد را صادر میکنند، جدا کنند. درد بی درمان ولی فقیه و حکومت متبوعه اش تعرض کل جامعه به حکومت اسلامی است. *

مذاکرات حول مساله وامهای دولت یونان سه طرف دارد

کرده بود و اعلام کرده بود که سیریزا خواهان ترك اعتیاد است. مردم یونان نیز با شعار "نه به سازمانهای وام دهنده" اعلام میکنند که خواهان ترك فوری این اعتیاد کشنده هستند. آیا سیریزا به وعده های انتخاباتی خود عمل خواهد کرد؟ آخرین اخبار حکایت از این دارد که واروفاکیس ناگزیر شده است به تمدید توافقنامه موجود با اتحادیه اروپا برای مدت ششماه رضایت بدهد. دولت سیریزا این ادعا را رد کرده است ولی فایننشیل تایمز که این خبر را منتشر ساخته، بر صحت آن تاکید دارد. باید منتظر اخبار دقیقتری بود اما واقعیت هر چه باشد در نفس سازش و مصالحه ایرادی نیست. ممکن است برای خریدن وقت بمنظور تثبیت سیاسی خط ضد ریاضت کشی و تامین رفاه مردم بر سر پرداخت و بازپرداخت وامها سازشهایی کرد ولی مشروط بر اینکه اولاً روشن و شفاف علت این عقب نشینی ها را برای مردم توضیح داد و ثانياً در سطح هر چه بیشتر و گسترده تری بقدرت توده متشکل مردم و جنبش توده ای علیه سیاستهای ریاضت کشی متکی شد.

سیریزا نمیتواند و نباید به این توهم دچار بشود که بانکها و دولتهای وام دهنده به لغو سیاستهای ریاضت کشی در یونان قانع خواهند شد. باید مجبورشان کرد و عامل این اجبار تنها میتواند طرف سوم مذاکرات، یعنی فشار اعتراضات و اعتصابات توده ای در یونان، و جنبش جهانی در حمایت از مردم یونان، باشد. عامل تعیین کننده قدرت مردم متشکل است. جنبش مردمی "لغو کلیه وامها" باید چنان فراگیر و قدرتمند بشود که نه سیریزا و نه وام دهندگان راهی جز توافق بر سر لغو کلیه وامها نداشته باشند. *

یورونیوز در خبری با عنوان "حمایت از دولت ضد ریاضتی یونان در خیابانهای بروکسل و آتن" از تجمعات خیابانی مردم در این شهرها همزمان با "مذاکرات بی نتیجه وزیران دارایی منطقه پولی یورو بر سر بدهی های یونان" گزارش میدهد. شعار این تجمعات "نه به سازمانهای وام دهنده به یونان، نه به ریاضت کشی" است. یورونیوز همچنین در گزارشی از خیابانهای آتن می نویسد:

"از نادر زمان هایی است که یونانی ها در حمایت از دولت و نه در مخالفت با آن به خیابان ها می آیند. به ندرت اتفاق می افتد که يك دولت تنها دو هفته پس از روی کار آمدن چنین محبوبیتی بین رای دهندگان بدست آورد." محبوبیت دولت جدید بخاطر ضدیت او با سیاست ریاضت کشی اقتصادی است. این محبوبیت در صورتی ادامه خواهد یافت که دولت جدید در تلاش برای لغو عملی سیاستهای ریاضت کشی به قدرت متشکل مردم خارج از ساختار و سیستم موجود حکومتی متکی شود.

مذاکرات بر سر بدهی های یونان در واقع سه طرف دارد، وام دهندگان اروپائی، دولت سیریزا و مردم. تا زمانی که دولت سیریزا در مذاکرات لغو سیاست ریاضتی و کلیه تبعات و نتایج ضد رفاهی این سیاست را دنبال میکند حمایت مردم را با خود خواهد داشت. در عین حال به هر اندازه که مردم در آتن و بروکسل و دیگر شهرها با تجمعات و تظاهرات خیابانی مخالفت خود را نه تنها با شرایط ریاضت کشی بلکه با نفس بازپرداخت وامها اعلام کنند دولت سیریزا در مذاکرات دست بالاتری خواهد داشت. واروفاکیس وزیر دارائی دولت جدید یونان قبل از انتخابات اخیر وامهای متوالی به یونان را به مواد مخدری که باید به يك معتاد برسد تا زنده بماند تشبیه

این موفقیت را باید دید و به همه تلاشگران درود فرستاد!

سامان زنده است و شش فعال سیاسی که نگران اعدام آنها بودیم، اعدام نشده اند، به زندانهای دیگر تبعید شده اند!

های فارسی زبان که این خبر را پوشش وسیع دادند، در عین حال به یمن اعتراضات همیشگی ما و فشار روی نهادهای بین المللی، با عکس العمل فوری سازمان ملل، اتحادیه اروپا دولتهای آلمان و نروژ و هلند و ... توجه های بسیار زیادی را بخود جلب کند و رژیم اسلامی را وادار کرد فعلا در یک روز معین که گفته بود سامان را میکشد، دست به این جنایت نزند. این مهم است! این عقب نشینی است و این عقب نشینی به همت اعتراضات همه ما به دست آمده است.

باید به خودتان که تلاش کردید، افتخار کنید و با صدای بلند اعلام کنید تنها راه نجات محکومین به اعدام اعتراض و مبارزه متحدانه و بین المللی است. صفوف اعتراض به اعدام ها در ایران باید متحدانه تر شود. این درس این مبارزات است.

به پدر و مادر نگران سامان باید قول بدهیم کماکان به اعتراضات خود ادامه خواهیم داد و سعی خواهیم کرد فرزند دلبد آنها را به آغوش خانواده باز گردانیم.

مینا احدی - کمیته بین المللی علیه اعدام ۱۹ فوریه ۲۰۱۵

راه افتاده، فیلم ساخته شده و پدیده اعدام برای جمهوری اسلامی ایران به یک جدل و کابوس دائمی تبدیل شده است.

راه همگانی تر شدن اعتراضات از همین مسیر است و اگر کسی و یا کسانی و یا جریانی راه بهتری دارد، در عمل باید وارد میدان شود و دیگران ببینند که کسانی و یا جریاناتی هستند که بهتر و موثر تر و عمومی تر پدیده اعدام را به بن بست میرسانند پس این گوی و این میدان!

بحث در مورد اعدام طبعاً زیاد است و این بحثها مهم هستند. اما یک نکته برای ما سازمانها و جریانات و افرادی که دودیدیم و شب نخواستیم و این شهر و آن شهر رفتیم و به مادر و پدر سامان امیدواری دادیم، باید روشن باشد. این کمپین با حضور فعالانه عفو بین الملل، کمپین های متعدد دفاع از زندانیان، فعالین مدافع حقوق انسان، سازمانهای علیه اعدام، رسانه

شخصیتها و هنرمندان و همه و همه، نهادهای بین المللی علیه اعدام، مردم، از سراسر جهان برای نجات جان ریحانه فعالیت میکردند و قلب ریحانه به قلب میلیونها نفر در دنیا وصل شده بود. میلیونها نفر شب خطرناکی که ریحانه را برای اعدام بردند، بغض کرده و اشک میریختند و هنوز هم يك تکه قلبشان پر خون است، با اعدام ریحانه رژیم اسلامی دریایی از خشم را بسوی خود روانه کرد و دریایی از عشق و عاطفه به یاد و با نام ریحانه. این میسر نمیشد مگر با کمپینی که قلبها را بهم وصل کرد.

ما راه مقابله با اعدام با اعلام و پیش بردن کمپین های مختلف را در پیش گرفته ایم و تاکنون توانسته ایم موضوع اعدام را در سطح جهان مطرح کنیم، اعتراض به اعدام را دامن زده شده و توجه و بحث در مورد اعدام و قتل عمد دولتی را همگانی کنیم ... به یمن این مبارزات جنبش بخشش در ایران

یکباره همه را نجات داد بجز با دامن زدن به مبارزات گسترده تر و همگانی تر و به میدان آمدن مردم در ایران و در دنیا؟ بجز سر و صدا کردن؟ بجز تماس خانواده ها با دنیا و مطرح کردن خبر و نگرانی ها احساسات خانواده ها و محکومین به اعدام؟

این چگونه امکان پذیر است؟ راه پر فراز و نشیب مبارزه با اعدام که در عین حال مبارزه با کلیت این نظام است، با زحمت و مرارت فراوان پیش رفته و امروز به اینجا رسیده است.

ما فعالین علیه اعدام سالها است که داریم مبارزه میکنیم و اکنون يك شبکه عملی و بهم پیوسته هستیم از افرادی و نهادها و سازمانهایی که در چنین شبهایی تا صبح باهم حرف زده درد دل کرده و فعالیت سازمان میدهم. بیان کارمان این است که تعدادی را نجات داده ایم، که سکوت در مقابل اعدامها را شکسته ایم، که فضای مقابله با اعدام را در جامعه دامن زده ایم که موفق شده ایم حداقل يك باور عمومی در بین سازمانها ایجاد کنیم که اعدام قتل عمد دولتی است و هیچکس نباید از آن دفاع کند.

نحوه کار ما اعلام کمپین در موارد معین بوده و با این کمپین ها در موارد زیادی موفق شده ایم قلب میلیونها نفر مردم دنیا را به قلب خانواده هراسان محکوم به اعدام و در مواردی که امکان تماس با داخل زندانها بوده با خود محکوم به اعدام وصل کنیم. من در باره يك جنبش و سازمانهای متعدد علیه اعدام حرف میزنم و نه در مورد فقط کمیته بین المللی علیه اعدام که خودم مسئول آن هستم.

نمونه بارز چنین کاری کمپین نجات ریحانه بود. سازمانهای متعدد، فعالین علیه اعدام

اخبار حکایت از این دارد که انتقال دیروز از زندان ارومیه، تبعید ۶ زندانی سیاسی و محکوم به اعدام به زندانهای دیگر بوده است. چرا رژیم درست در چنین اوضاعی ۶ محکوم به اعدام و فعال سیاسی را تبعید میکند علت واقعی اش بعداً برای ما معلوم خواهد شد، آنچه امروز مشخص است، فعلاً حکم اعدام سامان نسیم امروز، پنج شنبه ۱۹ فوریه ۲۰۱۵ یعنی در تاریخی که گفته بودند او را خواهند کشت اجرا نشد. این يك موفقیت است!

از نظر من که سالها است چنین روزها و شبهایی را تجربه میکنم، این يك موفقیت است و باید آنرا دید و به رسمیت شناخت.

حتی اگر اجرای حکم اعدام به تعویق افتاده باشد، ما توانستیم جلوی فاجعه را فعلاً بگیریم. اگر امروز خبر می آمد سامان را اعدام کردند، دیگر همه چیز تمام میشد. اما الان سامان نفس میکشد و ما میتوانیم برای نجات قطعی او تلاش کنیم. اینرا باید گفت چرا که در برخورد به این موضوع، عکس العمل های متعدد می بینیم.

تعدادی میگویند هیچ کاری فایده ندارد، اینرا نجات دهیم دیگری را اعدام میکنند، این حکومت بند نافش با اعدام بسته شده و کمپین های موردی فایده ندارد باید کلیت اعدامها را به چالش گرفت و همه را نجات داد. این آرزوی همه کسانی است که کمپین میکنند و مورد به مورد دنبال حکومت اسلامی افتاده و تعدادی را نجات میدهند در عین حال می بینند که همان روز و روز بعد چند نفر را به اتهام مواد مخدر و غیره اعدام میکنند.

سوال اینست چگونه میتوان

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰ پولاترزیاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است.
برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shom

<http://www.glwiz.com/>

۱۵ فوریه ۲۰۱۵
کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان
سیاسی
shiva.mahbobi@gmail.com
0044 0 757235 6661
کمیته مبارزه برای آزادی کارگران
زندانی
Free Them Now
shahla_daneshfar@yahoo.com
0044 0 777989 8968
کودکان مقدمند:

af-sanehvahdat13@gmail.com
0046-702468454
حمایت کننده: نهاد مادران
علیه اعدام، کمیته حمایت از
شاهرخ زمانی
حمایت های تا کنونی از
بهنام ابراهیم زاده: - اتحادیه
سراسری کارگران سوئد، ال او،
اتحادیه سراسری کارگران تونس،
جی یو تی تی، سازمان سراسری
کارگران ساختمانی عراق، شبکه
همبستگی کارگری خاورمیانه و
شمال آفریقا، سازمان عفو بین
الملل شعبه سوئد، جمعی از
زندانیان سیاسی در زندان رجایی
شهر، اتحادیه کارگران پست
کانادا و...

شکنجه دائمی روحی قرار دارند.
بهنام و خانواده اش نیاز به
بیشترین حمایت و پشتیبانی
جهانی دارند.
با گسترش اعتراضات خود
فشار بیاوریم و بکوشیم که فشار
از روی بهنام را برداریم. بهنام
ابراهیم زاده و خانواده اش را در
حمایت وسیع خود قرار دهیم.
کمیته "بهنام را آزاد کنید" تا
آزادی بهنام ادامه دارد. از
همگان میخواهیم که به این
کمیته بپیوندند و به هر شکل که
میتوانید ما را در پیشبرد این
کارزار یاری دهید.

شما در هر کجا که هستید
میتوانید نقش مهمی در پیشبرد
یک کارزار قوی جهانی داشته
باشید.
کمیته "بهنام را آزاد کنید"
پتی شنی در حمایت از بهنام بر
روی سایت ها گذاشته است. این
پتیشن را در لینک زیر میتوانید
امضا کنید و به دوستانتان نیز
خبر دهید که آنرا امضا کنند.
<http://chn.ge/1xr3BZD>
خانواده بهنام ابراهیم زاده را
تنها نگذاریم و آنها را در حلقه
حمایت و پشتیبانی خود قرار
دهیم.

اطلاعیه شماره ۱۸: "کمیته بهنام را آزاد کنید"

بهنام ابراهیم زاده به قرنطینه زندان گوهردشت منتقل شد



قرار داشته است. بهنام علیرغم
اینکه ۵ سال حکم زندانش رو به
اتمام رسانده است، دوباره
دادگاهی شده و نه سال و ۴ ماه
حکم جدید زندان به وی داده شده
است.

بهنام به لحاظ جسمانی در
وضعیت بدی بسر میبرد. بخاطر
شکنجه های درون زندان و
اعتصاب غذای طولانی ای که در
اعتراض به این فشار ها داشته
است، آسیب جسمی بسیاری دیده
است. نگرانی وضعیت فرزندش
نیما که به بیماری سرطان
میتلاست، خود فشار بر بهنام را
مضاعف کرده است. در عین حال
فشار بر روی بهنام ابراهیم زاده،
بطور واقعی فشار بر روی خانواده
او نیز هست و همراه وی پسر
جوانش و همسرش زیر فشار و

وضعیت وی نگران کننده است.
بهنام ابراهیم زاده از رهبران
شناخته شده کارگری و فعال دفاع
از حقوق کودک است. او از سال
۸۹ در بازداشت بسر میبرد و
جرمش دفاع از حقوق کارگر و
انسانیت است. بهنام یکی از
چهره های سمبولیک در میان
زندانیان سیاسی است که در
زندان نیز همواره صدای
آزادیخواهی و انسانیت را سر
داده است و از همین رو همواره
زیر فشار شکنجه و اذیت و آزاد

بنا بر خبرها بهنام ابراهیم زاده
ساعت ۶ عصر امروز ۲۷ بهمن
به قرنطینه زندان گوهردشت
منتقل شد. به گفته خانواده اش
معلوم نیست او به کدام بخش این
زندان منتقل شده است.

بهنام ابراهیم زاده در دوم
بهمن به بند ۲۰۹ منتقل و به
دلیل اینکه در این مدت
هیچگونه تماسی با خانواده اش
نداشته است، موجب نگرانی
همگان شده بود. با انتقال او به
قرنطینه گوهردشت همچنان

اعتراض عضو پارلمان هلند به حکم اعدام سامان نسیم

خواستار لغو حکم اعدام سامان
شوید. اگر در خارج از ایران زندگی
میکنید با دولت، نمایندگان
پارلمان و احزاب بشردوست کشور
محل اقامتتان تماس بگیرید و از
آنها بخواهید رژیم را جهت لغو حکم
اعدام سامان تحت فشار بگذارند.
باید هر چه سریعتر عمل کرد و جان
سامان نسیم را نجات داد.
کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان
سیاسی هفدهم فوریه ۲۰۱۵

بطور مستقیم با همکاران ایرانیان
تماس بگیرید و خواستار لغو حکم
اعدام و بررسی مجدد پرونده شوید؟
با احترام
jip van port

کمیته مبارزه برای آزادی
زندانیان سیاسی از شما دعوت
میکند در هر جای دنیا هستید
برای نجات جان سامان نسیم از
دست این جنایتکاران تلاش کنید.
در ایران در مقابل زندانها و دفاتر
رسمی رژیم تجمع کنید، در مقابل
زندان ارومیه، محل نگهداری
سامان نسیم، تجمع کنید و

که یک جوان که از شکنجه های
وحشتناک خود گفته است قرار است
در این هفته اعدام بشود؟ آیا این
درست است که اعلام شده سامان
نسیم، کسی که محکوم به ارتکاب
جرمی است که وقتی زیر سن
قانونی بوده مرتکب شده است، در
زمان خیلی کوتاه اعدام خواهد شد؟
۲. میتوانید شما تایید کنید که
عمل مجازات اعدام، طبق
معاهدات بین المللی که ایران هم به
آن متعهد است، برای افراد محکوم
که زمان ارتکاب جرم زیر سن
قانونی باشند، ممنوع میباشد؟
۳. میتوانید شما تایید کنید که
سامان نسیم در طی پروسه
بازجویی، شکنجه شده است؟
۴. آیا شما آماده هستید که

مقامات جمهوری اسلامی را از
اعدام سامان نسیم منصرف نمایند.
متن ترجمه شده نامه:
شراره آرام عزیز،
در رابطه با موضوعی که ما دیروز
تلفنی با هم صحبت کردیم، امروز
عضو پارلمان، ستوالاتی را از وزیر
امور خارجه بعمل آورده است. ما
امیدواریم بتوانیم نظر مقامات
ایرانی را در این رابطه تغییر بدهیم.
van ستوالات زیر را
Bommel عضو حزب
از وزیر امور (sp) سوسیالیست
خارجه در مورد حکم اعدام سامان
نسیم کرده است
آیا شما مطلع هستید از خبری که
منتشر شده و در آن گفته شده است

به دنبال تماس شراره آرام
مسئول کمیته مبارزه برای آزادی
زندانیان سیاسی در هلند با حزب
سوسیالیست این کشور در خصوص
حکم اعدام سامان نسیم، این
حزب در رابطه با وضعیت این
زندانی خواستار جوابگویی وزیر
خارجه هلند به ستوالاتشان در رابطه
با سامان نسیم شده اند.
Jip van Dort از حزب
سوسیالیست هلند در پاسخ به شراره
آرام عنوان کرده است Harry
van Bommel که عضو
پارلمان میباشد ستوالاتی را از وزیر
امور خارجه به عمل آورده است.
Jip van Dort از حزب
سوسیالیست هلند در نامه اش
نوشته است که امیدوار هستند که

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سر دبیر این شماره: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود